

# ارزشیابی در شعر فارسی

رویا صدر

تصویرگر: سام سلماسی

**کلیدواژه‌ها:** شب امتحان، روز امتحان، فردای امتحان، این‌وَر امتحان، اون‌وَر امتحان

## چکیده

ارزشیابی از دیرباز مورد توجه ادبا و شعرای فارسی‌زبان بوده است. شعرا گاه در مقام معلم، گاه کارشناس آموزشی و گاه اولیای دانش‌آموزان به بررسی ابعاد ارزشیابی اعم از طول و عرض و ارتفاع پرداخته‌اند و در این رابطه اعلام موضع کرده‌اند. مقاله حاضر به طبقه‌بندی این اعلام موضع‌ها اختصاص دارد.

## هدف از ارزشیابی

در آثار ادبی گذشتگان بارها مقوله ارزشیابی، مورد نقد قرار گرفته است. از اشعار عطار نیشابوری چنین برمی‌آید که در مدارس سده ششم هجری، برگزاری امتحانات بدون توجه به بررسی کیفی درس خواندن دانش‌آموزان رواج داشته؛ تا آنجا که وی درد و رنج عمیق خود را از این پدیده خطاب به معلم مربوطه چنین بیان کرده است:

هر دم در امتحان چندی کشی

دامنم در خون جان چندی کشی

## ارزشیابی به منزله وسیله کسب درآمد

نظام ارزشیابی به منزله وسیله‌ای برای کسب درآمد، همواره مورد بحث شاعران پارسی‌گو بوده است. از اشعار مولوی، چنین برمی‌آید که در قرن ششم هجری برگزاری آزمون‌های ارزشیابی، مشروط به اخذ مبالغی از اولیای دانش‌آموزان بوده و مسئولین مربوطه مرتباً وعده و وعید می‌دادند که این شرط و شروط را برمی‌دارند. چرا که مولوی از قول مسئولین مذکور گفته است:

اگر چه شرط نهادیم و امتحان کردیم

ز شرط‌ها بگذشتیم و رایگان کردیم

با رشد مؤسسات آموزشی خصوصی، کم‌کم اخذ مبالغ هنگفت بابت شرکت در امتحانات رواج یافته است. حافظ شیرازی در



همین رابطه می‌گوید:  
گر تو نقدی یافتی، مگشا دهان

هست در ره سنگ‌های امتحان  
شاعر در این شعر به منتقدان توصیه می‌کند که اگر ردوبدل کردن پول نقد را در مؤسسات آموزشی دیدید، خودتان را با حرف زدن خسته نکنید و آن را به‌عنوان واقعیتهایی تلخ بپذیرید که پیش پای دانش‌آموزان، سنگ‌های بزرگی از جمله امتحانات قرار دارد و باید آن را پرداخت و چاره‌ای نیست. او همچنین در اشعارش، تأثیر گردش مالی ناشی از این امتحانات را بر ترمیم بخش‌های خراب و اسقاطی نظام آموزشی یادآور می‌شود. نام‌برده در این اشعار، تلویحاً آموزش‌وپرورش را به‌ویژه تشبیه کرده؛ امری که ظاهراً از چشم بررسی‌های محتسب دوران وی پنهان مانده است:

امتحان کن که بسی گنج مرادت بدهند  
گرخرابی چو مرا لطف تو آباد کند

### تفاوت‌های فردی در نظام ارزشیابی

به رسمیت شناختن تفاوت‌های فردی در بحث علم (نظام ارزشیابی) بارها از سوی شاعرانی چون حافظ شیرازی مورد تأکید قرار گرفته است؛ حتی اگر این تفاوت‌های فردی مربوط به بالا بودن اطلاعات عمومی یا نمرهٔ عینک مطالعهٔ دانش‌آموز باشد:

سرای مدرسه و بحث علم و طاق و رواق  
چه سود، چون دل دانا و چشم بینا نیست  
نگاهی نشانه‌شناسانه از منظر اشعار فولکلوریک چون «آدامسی» نیز مؤید این مدعاست که در نظام ارزشیابی، تفاوت‌های فردی (از قبیل مبصر بودن) حتی در روند آموزش دروس بی‌اهمیتی مثل فارسی نیز به‌کار نمی‌آید و باعث رفوزگی دانش‌آموزان می‌شود:

آدامسی آی آدامسی

تو مبصر کلاسی

از امتحان فارسی

نمرهٔ بیست می‌خواستی

حالا که شدی رفوزه

دل‌م برات می‌سوزه ...

در مجموع به نظر می‌رسد در تاریخ آموزش‌وپرورش چندان که باید به هشدارهای شاعران در رابطه با سیستم امتحانات توجه نشده و این امر بر انزجار برخی از دانش‌آموزان از درس و مدرسه بی‌تأثیر نبوده؛ تا آنجا که شیخ بهایی گفته است:

در مدرسه جز خون جگر نیست حلال

آسوده‌دلی در آن محال است محال  
البته مورخان، وجود بخاری‌های نفتی در مدارس دوران شاعر را در سرایش این اشعار بی‌تأثیر نمی‌دانند ...

